

تحلیل انواع تشبیه در غزل‌های حکیم شفائی اصفهانی

دکتر محمد رضا نجاریان^۱

معصومه وطن‌پرست^۲

چکیده

حکیم شفائی اصفهانی، حکیم و شاعر دربار شاه عباس صفوی در سده دهم هجری قمری، یکی از بنیانگذاران سبک هندی، اصفهانی یا سبک دوره صفویه است که به روایت صاحب عالم آرا ملقب به ملک الشعرا و ممتاز ایران شد. دیوان او دربردارنده ۱۲۰۰۰ بیت در قالب قصیده، غزل، قطعه، ترکیب بند و رباعی است که ۱۰۶۰ غزل در این میان جلوه می‌کند. او در غزل پیرو حافظ، سعدی و مولوی است. و در این نوع ادبی، بابا فغانی شیرازی را استقبال و نظیره گویی کرده است. کمتر بیتی در غزل‌های شفائی خالی از تشبیه است. ابداع مضامین عالی با تخیلات ظریف و دقیق همراه با تشبیهات بکر و غریب به اشعار او زیبایی و امتیاز خاصی بخشیده است؛ تشبیهات گسترده‌ای چون تشبیه عشق به اسم اعظم، خار و خس آشیان به بال هما؛ تشبیهات فشرده عقلی به حسی چون ادیب عقل اولی، داغ محبت، بهار حسن، آتش شوق، آتش عشق. نمونه‌های زیادی از تشبیهات تأکیدی رجحانی چون تفضیل باعث ایجاد تصاویر بدیع در اشعار او شده است:

نرگس به یاد چشم تو مستانه بشکفد
سنبل به بوی زلف تو از شانه بشکفد
خورشید و مه که شمع شبستان قدرتند
آتش به بال و پرزده پروانه تواند

نیز وجود تشبیهات مضمیر خبر از تعمق و تدبیر شاعر در نوآفرینی دارد:

من نمی‌گویم که تو برق جهان سوزی ولی
بر که بگذشتی که برقرش از دل و جان برنخاست

نگارندگان در این مقاله سعی دارند انواع تشبیه را در ۵۰ غزل (۱ تا ۵۰) از دیوان حکیم شفائی را همراه با بسامد آن از دیدگاه سبک‌شناسی تحلیل کنند.

واژگان کلیدی: حکیم شفائی اصفهانی، غزل، انواع تشبیه، شعر سده دهم

مقدمه:

شرف‌الدین حسن حکیم شفائی اصفهانی، طبیب مخصوص، ندیم و شاعر مورد احترام شاه عباس اول بود که به خاطر شوخ طبعی، شیرین سخنی، دانش و مجلس آراییش از طرف این پادشاه به القاب ملک الشعرا و ممتاز ایران مفتخر شد. وی استاد شاعران عهد خود به ویژه مولانا صائب تبریزی، در عهد حکومت شاه عباس اول صفوی بوده است. تاریخ تولد حکیم شفائی در تذکره‌ها معلوم نیست. آقای احمد گلچین معانی در کتاب «شهر آشوب در شعر فارسی» ولادتش را به سال ۹۵۶ عنوان کرده است. ادوارد براون در کتاب «تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر» تاریخ وفات او را در سال ۱۰۳۷ می‌داند.

اغلب تذکره نویسان حکیم شفائی را اهل اصفهان نوشته‌اند. از تذکره نویسانی که نام پدر شاعر را ذکر کرده‌اند یکی تقی‌الدین کاشی صاحب تذکره «خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار» است که فقط به لفظ «حکیم ملّا» اکتفا کرده است. عبدالرسول خیام پور در فرهنگ سخنوران فارسی حکیم شفائی را فرزند ملای اصفهانی ضبط کرده است. اجداد حکیم شفائی از علما و حکمای معروف اصفهان و پدرش حکیم ملّا «محمد حسین» یا «محمد» و برادرش حکیم نصیرا از اطباء مشهور اصفهان بودند. محمد تقی دولت‌آبادی از دوستان حکیم شفائی بوده و آثار او را در تاریخ دهم ماه شوال ۱۰۴۰ هجری جمع‌آوری کرده است و نیز بر دیوان و مثنوی‌های حکیم شفائی دیباچه‌ای نوشته و در آن اشاره می‌کند که حکیم شفائی علاوه بر طب و مقدمات صرف و نحو عربی، فقه، اصول و معارف اسلامی، در فلسفه و حکمت، نجوم، هیئت و علوم ما بعدالطبیعه نیز تحصیلاتی داشته است. او در فنون ادبی آموخته و توانا

بوده و این برجستگی در سخنان او پیداست. اطلاعات نجومی و فلکی در اشعارش فراوان به چشم می‌خورد. در اشعارش اشاراتی به اصطلاحات موسیقی نیز هست. او آثار حکیم شفائی را شامل هشت کتاب می‌داند که تعبیری از هشت در بهشت است ۱- قصاید و مقطعات، ۲- ترکیبات و ترجیعات، ۳- غزلیات، ۴- هجویات و مطایبات، ۵- مثنوی نمکدان حقیقت بر وزن حدیقه الحقیقه سنائی، ۶- مثنوی مهر و محبت بر وزن یوسف و زلیخای جامی و خسرو شیرین نظامی، ۷- مثنوی عرفانی دیده‌بیدار بر وزن مخزن الاسرار نظامی گنجوی، ۸- مجمع البحرین بر وزن تحفه العراقین خاقانی شروانی. شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» انتساب اثر دیگری در طب به نام «قربادین» را به حکیم شفائی رد کرده است و آن را اثر سید مظفر بن محمد الحسینی الشفائی الکاشانی می‌داند.

دیوان اشعار او شامل ۷۲ قصیده، ۱۰ قطعه، ۱۰ ترکیب بند، ۱ ترجیع بند، ۱۰۶۰ غزل، و ۴۷ رباعی است. این دیوان در مجموع متجاوز از ۱۲۰۰۰ بیت است. حکیم شفائی در وزن و قافیۀ غزل مانند اغلب شاعران پیرو حافظ و سعدی بوده و از غزل‌های آن دو و بابا فغانی شیرازی استقبال و نظیره گویی کرده است. او در بیشتر غزل‌هایش مانند خاقانی ردیف آورده است. آنچه اشعار حکیم شفائی را امتیاز خاص بخشیده به کار بردن فراوان لغات و اصطلاحات طبی است که در قصاید و غزلیاتش دیده می‌شود. اندیشه‌های عارفانه او را باید در مثنوی‌های او جست. ابداع مضمون‌های گوناگون برگرفته از تخیل‌های ظریف و دقیق همراه با تشبیهات تازه و غریب در اشعار حکیم شفائی باعث زیبایی و برجستگی شده است. از مشخصات سبکی او مضمون‌سازی، باریک‌اندیشی، نکته‌پردازی، به کار بردن صنایع شعری (ارسال‌المثل، مجاز، استعاره، تلمیح، مبالغه، اغراق، تسامح لفظی، الفاظ عامیانه و ترکیبات غریب، تشبیهات دور از ذهن) و همچنین گرایش او به عرفان و شکایت از زمانه باعث پیچیدگی کلام او شده است که بعدها این شیوه سخنوری، سبک هندی یا اصفهانی یا سبک دوران صفوی نامیده شد. حکیم شفائی یکی از بنیانگذاران این سبک بوده است که در طی زمان توسط شاعرانی همچون: کلیم کاشانی، صائب تبریزی و بیدل دهلوی به کمال رسیده است. دیوان غزل‌های حکیم شفائی یکی از زیباترین و هنری‌ترین تابلوهای جلوه صورخیال در میان اشعار عاشقانه فارسی است که حکیم شفائی توانسته است با بهره‌جستن از زبان و خیال‌پردازی‌های شاعرانه شگفتی‌های زیادی در اشعارش بیافریند. از جمله ویژگی‌های شعری او به تشبیهات خواه مفرد یا مرکب، محسوس یا معقول، خیالی یا وهمی، مجاز، استعاره، کنایه و همچنین مضمون‌آفرینی‌های زیبا و خیال‌انگیز این شاعر می‌توان اشاره کرد و شیوه گفتار و سبک او را «طرز نو» نامید. (بنان، ۱۳۶۲، صص ۳۷ تا ۱۳۷)

پیشینه تحقیق:

در طی مطالعاتی که تاکنون انجام یافته، پژوهش مستقلی درباره تحلیل انواع تشبیه در غزل‌های حکیم شفائی اصفهانی صورت نگرفته است تنها در برخی تذکره‌ها، کتاب‌های تاریخ ادبیات و مقالات به شرح احوال زندگی وی و نمونه‌هایی از اشعار او پرداخته شده است. امین احمد رازی در تذکره «هفت اقلیم» (۱۰۰۲) در اقلیم چهارم، اصفهان درباره شرح احوال حکیم شفائی و شغل طبابت او و همچنین نهایت زیبایی اشعارش مطالبی را آورده است. (ج ۲، ص ۴۲۹). ملا عبدالنبی فخر الزمانی در تذکره «میخانه» (۱۰۲۸) در شرح حال حکیم شفائی، به وجود معانی غریب و دلغریب در اشعارش و مهارت وی در حکمت اشاره می‌کند و نیز به وجود دیوانی از حکیم شفائی که از او به هند آورده اند و شامل مثنوی‌های خوب و قصاید مرغوبی می‌شود که تعداد ابیاتش پنج هزار بیت و اشعار هزل آمیز او بوده است، اشاراتی داشته است. (ص ۵۲۳). لطفعلی بیک آذر بیگدلی در تذکره «آتشکده آذر» (۱۱۳۴-۱۱۹۵ هـ.ق) ضمن عنوان نام و لقب حکیم شفائی او را طیبی حاذق و شاعری عاشق معرفی می‌کند که مردم از فخر فروشی او در آزار بوده اند و عنوان می‌کند حکیم شفائی در مجلس شاه عباس صفوی از مقام و مرتبه ندیمی برخوردار بوده است و وی را بسیار خوش طبع و صاحب دیوان اشعاری می‌داند که شعرهای متفاوتی دارد. (ص ۹۵۰). رضا قلی خان هدایت در «مجمع الفصحا» (۱۲۸۴) در معرفی حکیم شفائی به شغل طبابت او اشاره می‌کند و او را مورد تمجید میر محمد باقر داماد می‌داند و نیز بیان می‌کند که وی دیوان اشعاری با غزل‌های شیرین دارد و مثنوی او، نمکدان

حقیقت بر وزن حدیقه سنائی است. (ج ۴، ص ۴۰). وحید دستگردی با مقاله «مناظره ادبی عرفی شیرازی - حکیم شفائی اصفهانی» (۱۳۰۹) در شماره (۸) سال یازدهم، مجله ارمغان ابیات قصیده عرفی شیرازی را با جواب حکیم شفائی به او عنوان نموده است. عرفی قصیده‌ای در مدح میرزا جانی و حکیم ابوالفتح استاد خود ساخته و چنانچه شیوه اوست، پا از گلیم خود فراتر کشیده است و به استادان بزرگ سخن مانند: استاد کمال الدین، خاقانی و انوری تعرض بیجا نموده و بگزاف لاف‌ها زده است. حکیم شفائی در پاسخ این تعرض با قصیده‌ای شیوا لاف و گزاف عرفی را بر استادان، نکوهش بسزا کرده است. (۵۷۶ - ۵۸۷)

وحید دستگردی با مقاله «حکیم شفائی اصفهانی» (۱۳۱۵) در شماره (۲) سال هفتم، مجله ارمغان نیز شرح حال اندکی از زندگی شفائی با ابیاتی از او آورده است و او را مردی فاضل، حکیم، طیب و شاعرکه مورد تمجید میرداماد بوده معرفی می‌کند. (ص ۹۵. احمد سهیلی خوانساری با مقاله «ملک الشعرا حکیم شفائی اصفهانی» (۱۳۱۶) در شماره (۶-۷) سال هیجدهم، مجله ارمغان، مختصری از زندگی حکیم شفائی را با شرحی از سبک و آثار وی همراه تعدادی از اشعارش عنوان نموده است. او حکیم شفائی را در بین شاعران عصر صفویه بیشتر از معاصرانش در سخنوری پیرو شیوه و اسلوب متقدمین می‌داند. او در قصیده پیرو خاقانی، و در غزل شیوه بابا فغانی شیرازی را با اندکی تغییر نظر داشته است و همین امر سبب می‌شود اشعار او دارای مضامین دلپذیر و معانی بلند باشد. (ص ۴۲۳-۴۳۶)

ادوارد براون در کتاب «تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر» (۱۳۱۶) به شرح مختصری درباره حکیم شفائی می‌پردازد و تاریخ وفات او را در سال ۱۰۳۷ هجری قمری (ص ۱۷۱). هرمان اته در کتاب «تاریخ ادبیات فارسی» (۱۳۳۷) به شاعران دربار پادشاه صفوی که بیشتر آنها غزلسرا بودند اشاره می‌کند و حکیم شفائی را مهمتر از معاصرانش می‌داند و نیز او را پزشک مخصوص شاه عباس و شاعری غزلسرا، هجو ساز و صاحب چهار مثنوی معرفی می‌کند. (ص ۱۹۸، ۱۹۹). کبری رحیمی با مقاله «نبض سخن‌شناس حکیم شفائی» (۱۳۸۶) شماره ۳۷ و ۳۸ مجله فرهنگ اصفهان به شرح حال حکیم شفائی و آثارش و هم عصرانش می‌پردازد و حکیم شفائی را متأثر از شاعران بزرگی چون سعدی، حافظ، بابا فغانی، انوری و خاقانی می‌داند و اشاره می‌کند که این شاعر چون دیگر شاعران، از ادبیات عرب متأثر بوده است و چون در صرف و نحو عربی تبخّر داشته است، ردپای ادبیات عرب در اشعار او محسوس است و نیز به مسافرت‌های حکیم شفائی به هند، شیراز و نارضایتی‌اش از سفر به خراسان و ماندنش در اصفهان اشاره می‌کند. (ص ۳۲ تا ۳۹)

در نوشتار حاضر نگارندگان کوشش نموده اند تا انواع تشبیه را در ۵۰ غزل (۵۰ تا ۵۰) از دیوان حکیم شفائی که برابر با ۳۶۷ بیت است از دیدگاه سبک‌شناسی همراه با ارائه آمار تحلیل‌کننده منابع الهام شاعر در تشبیه را مشخص نمایند.

تشبیه

تشبیه عبارتست از مانند نمودن چیزی به چیزی خاص همراه با اداتی خاص، در واقع بیان اشتراک بین دو چیز است با توصیف نمودن اوصاف آن همراه با الفاظ مخصوص. (رجائی، ۱۳۵۸، ص ۲۴۴). هر تشبیه همراه با لطافت‌ها و زیبایی‌هایی است که باعث می‌شود کلام در نظر مخاطب زیبا و دلنشین شود و مخاطب را برای پذیرش آن راغب سازد. همچنین یکی دیگر از حسن‌های تشبیه، آشکار نمودن زوایای کلام و نزدیک ساختن مفهوم و پیام آن به ذهن خواننده و مخاطب است (نصیریان، ۱۳۸۰، صص ۱۲۵ تا ۱۳۵). در خیال پردازهای شاعرانه می‌توان تشبیه را به عنوان اصل، مرکز و هسته آن در نظر گرفت زیرا انواع تشبیه و صورت‌های گوناگون خیال، از همان شباهت‌ها و ویژگی‌های مشترکی سرچشمه می‌گیرد که شاعر با نیروی تخیل خود در بین اشیاء پیدا می‌کند و به شیوه‌های متفاوت بیان می‌کند. در واقع بهترین نوع تشبیه آن است که شباهت‌ها و ویژگی‌های مشترک آن بیشتر باشد و ثمره آن نوعی اتحاد در بین ارکان آن است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۰، ص ۵۶) تا آنجا که این ویژگی باعث می‌شود مشبه و مشبه به، به سوی یک همسانی و اتحاد با یکدیگر پیش روند و ادعای ماندگی بین دو چیز صورت پذیرد.

انواع تشبیه

هر تشبیه دارای چهار پایه و رکن است. مشبه و مشبه به را «طرفین تشبیه» یا «دو سوی تشبیه» می‌نامند چنانچه این دورکن همواره در تشبیه موجود است و اگر یکی از آن دو حذف شود، تشبیه وارد مقوله استعاره می‌شود اما دو رکن دیگر تشبیه عبارتند از: وجه شبه (مانروی) و ادات تشبیه (مانواژ) که حضور آن در ساختار تشبیه همواره الزامی نیست. بنا براینکه وجه شبه یا ادات را در تشبیه بیاوریم یا نه، تشبیه به چهار صورت نامگذاری می‌شود:

۱- تشبیه مفصل ۲- تشبیه مجمل ۳- تشبیه موگد ۴- تشبیه بلیغ (نوروزی، ۱۳۸۰، صص ۳۱۹ و ۳۲۰) دکتر جلیل تجلیل بر اساس تقسیم تشبیه از دیدگاه حذف و ذکر ادات یا وجه شبه تشبیه را پنج بخش کرده و تشبیه مرسل (صریح) را نیز جزء این تقسیم بندی قرار می‌دهد. (تجلیل، ۱۳۸۵، صص ۵۴ و ۵۵).

تشبیه مفصل:

تشبیهی است که وجه شبه (مانروی) در آن آورده شده باشد. آنجا که خواننده یا شنونده خود نتواند وجه شبه را به درستی و روشنی تشخیص دهد، وجود وجه شبه در سخن که برزیبایی کلام می‌افزاید الزامی است. زیرا وجه شبه بر اساس خیال پردازی‌های دور سخنور ساخته می‌شود و همچنین اگر یافتن وجه شبه را به خواننده واگذار کنیم او وجه شبه‌های کهنه گذشته را جایگزین می‌کند و در خطا می‌افتد پس براین اساس سخنور برای آشکار سازی پیوند و رابطه‌ای که میان دو سوی تشبیه یافته است وجه شبه را عنوان می‌کند تا سخن خویش را استوارتر سازد. (کزازی، ۱۳۷۲، صص ۶۹ تا ۷۱)

تشبیه مرسل (صریح):

تشبیهی که ادات تشبیه در کلام ذکر شود. (صادقیان، ۱۳۷۱، صص ۱۶۴) در برخی از کتب ادبی مراد از تشبیه صریح تشبیهی است که هر چهار رکن در آن ذکر شده باشد و به آن مبتذل و مطلق هم گفته اند و آن را در مقابل تشبیه بلیغ به کار برده اند. (شمیسا، ۱۳۸۱، صص ۱۴۸)

از میان ۵۰ غزل (۵۰ تا ۵۰) بررسی شده در دیوان حکیم شفائی، ۱۰ تشبیه مفصل وجود دارد که برابر با ۲۰٪ است:

هر روز شکفتست درو نوگل داغی چون گلبن جاوید بهارست دل ما

(دیوان، غزل ۹، بیت ۶، صص ۲۵۱)

دل: مشبه، گلبن جاوید بهار: مشبه به، وجه شبه: جاوادنگی در بهار، چون: ادات، (تشبیه مفصل و مرسل)

شاعر دل را به گلبن جاویدی در بهار تشبیه کرده که هر روز در آن نوگل داغی شکفته می‌شود.

و تشبیهات دیگری همچون: جهان به مگس (دیوان صص ۲۴۸)، خود به نسیم (صص ۲۵۱)، خود به مرغ بال و پر بسته (صص ۲۵۳)، نور نظر به مویی که بر آتش می‌پیچد (صص ۲۵۴)، خود به ماهی (صص ۲۶۲)، زر خورشید به شهروا (صص ۲۶۲)، نصیحت به آب سوزان (صص ۲۶۶)، لب به قند (صص ۲۶۸).

تشبیه مجمل:

تشبیهی که وجه شبه را در کلام نیاورند. اما سایر ارکان در آن ذکر می‌شود. (تجلیل، ۱۳۸۵، صص ۵۴). از میان تشبیهات بررسی شده ۳ تشبیه مجمل دیده می‌شود که برابر با ۰/۸٪ است:

هزار بار گریبان چو صبح تا دامن دریده پرده گوش اثر ز ناله ما

(دیوان، غزل ۲۱، بیت ۳، صص ۲۵۶)

شاعر ادعا می‌کند که از ناله ما هزار بار پرده گوش اثر از گریبان تا دامن مانند صبح دریده شده است.

بر دوست چون هنر شد، همه عیب ما شفائی!

نکند تفاوت اکنون سخن حسود ما را

(دیوان، غزل ۲۷، بیت ۶، صص ۲۵۹)

تشبیه موکد:

در این تشبیه ادات تشبیه ذکر نمی‌شود. گاه «مشبه» به «مشبه به» اضافه می‌شود و گاه «مشبه به» به «مشبه». (صادقیان، ۱۳۷۱، ص ۱۶۵) بسامد وجود تشبیه موکد در بین تشبیهات موجود در ۵۰ غزل مورد بررسی، ۲۰ تشبیه موکد است که برابر با ۵/۲٪ است.

هرچند که در زلف تو بارست دل ما مشکن که سبکخیز غبارست دل ما
(دیوان، غزل ۹، بیت ۱، ص ۲۴۹)

شاعر دل را به غبار سبکخیز تشبیه کرده، دل: مشبه، غبار سبکخیز: مشبه به، وجه شبه: سبک خیزی، ادات: حذف، و تشبیهات دیگری همچون: شاعر خود را به زخم تشبیه کرده (ص ۲۴۶)، ادب به مهر (ص ۲۴۹)، دل به زر ناروا (ص ۲۴۹) دل به شیشه (ص ۲۵۱)، دل به ملک زود تسخیر (ص ۲۵۲) دل به نامه مهر و وفا — داغ غم به مهر (ص ۲۵۶)، داغ حرمان به گل (ص ۲۵۷)، عشق به چنگ (ص ۲۶۰)، شاعر خود را به تار چنگ تشبیه کرده است (ص ۲۶۰)، شاعر خود را به نسیم تشبیه کرده (ص ۲۶۱)، راز دل را به غنچه نشکفته (ص ۲۶۱)، روح به مرغ (ص ۲۶۲) شاعر خود را به قطره تشبیه کرده (ص ۲۶۲)، نقطه به آینه خدا (ص ۲۶۲)، خشم به آتش — اسیران به خاشاک دود انگیز (ص ۲۶۴)، غم به رهبر بلا (ص ۲۶۵)، شاعر خود را در آشفتگی به نسیم تشبیه کرده است (ص ۲۶۹).

تشبیه بلیغ:

اگر هم «ادات تشبیه» و هم «وجه شبه» حذف شود، تشبیه بلیغ (موکد و مجمل) است که رساترین و زیبا ترین شکل تشبیه است؛ زیرا که ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه به در این نوع از تشبیه قوی تر است. اگر در این نوع تشبیه، «مشبه» به «مشبه به» یا بالعکس، اضافه شود، اضافه تشبیهی می‌سازد. بنابراین هر اضافه تشبیهی، یک تشبیه بلیغ است البته بلاغت اضافه تشبیهی از تشبیه بلیغ بیشتر است. (اشرف زاده — علوی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۸۸ و ۸۹) در میان غزل‌های مورد بررسی بسامد ۸۰ تشبیه بلیغ وجود دارد که بیشتر از نیمی از این تشبیهات به صورت اضافه تشبیهی آمده است و برابر با ۲۱/۷٪ است و غالباً از نوع عقلی به حسی است. تشبیهاتی همچون:

عشق به اسم اعظم (ص ۲۴۶)، خارو خس آشیان به بال هما (ص ۲۴۶)، خود به مور (ص ۲۴۶)، بهار به حسن (ص ۲۴۸)، خوان تغافل (ص ۲۴۸)، تیغ امتحان (ص ۲۴۸)، چاه غم (ص ۲۴۸)، در امید (ص ۲۴۹)، مهر ادب (ص ۲۴۹)، داغ دل به چراغ (ص ۲۵۱)، بزم محبت (ص ۲۵۱)، دل به چراغی که دود نمی‌کند (ص ۲۵۱)، آرامگاه به دم شیر و کام ازدها (ص ۲۵۲)، شکرستان لب (ص ۲۵۲)، بزم امتحان (ص ۲۵۲)، دل به مرغ بی بال و پر (ص ۲۵۳)، ناله به ارغنون (ص ۲۵۳)، حیا به نگهبان (ص ۲۵۴)، خود به مشرب عشق (ص ۲۵۴)، تیغ ماه (ص ۲۵۵)، خاک جنون (ص ۲۵۶)، داغ غم (ص ۲۵۶)، زندان گرفتاری (ص ۲۵۴)، گرد هوس (ص ۲۵۴)، خاک به خورشید (ص ۲۵۴) افلاک به گوی بازیچه طفلان (ص ۲۵۴)، باد فنا (ص ۲۵۴)، خرمن ادراک (ص ۲۵۴)، آتش عشق (ص ۲۵۴)، آینه صبح (ص ۲۵۴)، کعبه دل (ص ۲۵۷)، خشکسال حرمان (ص ۲۵۷)، غنچه اظهار (ص ۲۵۷)، خشکسال دل — چشمه دل (ص ۲۵۷)، متاع دل (ص ۲۵۷) در نیستی (ص ۲۵۷)، سبزه خط (ص ۲۵۸)، شحنة بیداد (ص ۲۵۸)، کوی هجران (ص ۲۵۹)، بزم قرب، خوان وصل، غبار خواهش، گلشن وصل، کوی هجران، باغ رخ، جام عشق، زهر محبت (ص ۲۵۸، ۲۵۹)، جام لطف، ساغر تقاضا، چنگ عشق، نهال عشق (ص ۲۶۰)، نسیم اضطراب، بیابان محبت (ص ۲۶۱) شاعر خود را به آتش فسرده شبیه کرده است، گلشن جگر، داغ محبت، بحر کبریایی، زر خورشید، نقطه به سویدا (ص ۲۶۲)، جام عتاب، عشق به آفت جان، چمن حسن، تیغ تلافی، بازار محبت، کفر زلف، آتش حسد (ص ۲۶۳) داغ عشق، کمان جور خوان وصال، بزم وصل، زهر غم، خنجر بلا، کشور بلا، بستر بلا، (ص ۲۶۴) جاده شرع، جهان قدیم به ویرانه (ص ۲۶۵) تخم کینه، خار محرومی، ناامیدی به نعمت خوان، تمنا به گره، رخ به مهتاب (ص ۲۶۵) جام محبت، خشکسال هجر (ص ۲۶۷) دم عیسی به نسیم بستان، سرو قد، عشق به طراح، جبریل خیال (ص ۲۶۹).

تشبیه از دیدگاه طرفین تشبیه:

هر دو طرف حسی:

هر دو طرف تشبیه با یکی از حواس پنجگانه ادراک کردند. (صادقیان، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷) پس از بررسی تشبیهات در ۵۰ غزل حکیم شفائی مشخص شد که بسامد تشبیهات حسی به حسی ۲۷ عدد که برابر با ۷/۳٪ است. تشبیهاتی همچون: خود به مور (ص ۲۴۶)، خود به زخم (ص ۲۴۸)، جهان به مگس (ص ۲۵۰)، خود به پرنده (ص ۲۵۲) آرامگاه به دم شیر و کام ازدها، لب به شکرستان (ص ۲۵۳) خود به مرغ، معشوق به شمع و عاشق به پروانه (ص ۲۵۴) خورشید به خاک، افلاک به گوی، آینه به صبح، (ص ۲۵۵) ماه به تیغ، خود به سنان و مار (ص ۲۵۶) گریبان صبح (ص ۲۶۱) خود به نسیم (ص ۲۶۲) خود به آتش، خورشید به زر، زر به شهرها (ص ۲۶۳) خود به شیشه، معشوق به سنگ (ص ۲۶۴) اسیر به خاشاک دود انگیز (ص ۲۶۵) لب به در (ص ۲۶۶) نیزه به آفتاب، کشت به کعبه، می به آب، رخ به مهتاب (ص ۲۶۸) لب به قند، خود به نسیم (ص ۲۶۹).

هر دو طرف طرف عقلی:

هر دو طرف تشبیه امری معنوی و عقلی به همدیگر مانند شوند. (تجلیل، ۱۳۸۵، ص ۴۵) مقصود از معقول بودن آن است که از امور و کیفیات نفسانی باشد و با حواس پنجگانه قابل حس نباشد. بسامد تشبیهات عقلی به عقلی ۹ عدد از میان ۵۰ غزل بررسی شده که برابر با ۲/۴٪ است.

چون محبت که به دلگرمی ما می‌نازد
پشت، گرمست به بیداد خودرایی را
(دیوان غزل ۱۳، بیت ۲، ص ۲۵۲)

تشبیه عقلی به عقلی:

دل به نامه‌ای که از جنس مهر وفاست (ص ۲۵۶)، بیدردی به عشق و هوس (ص ۲۵۸)، عیب به هنر (ص ۲۵۹) شادی به بلا (ص ۲۶۲) عشق به آفت جان (ص ۲۶۳)، بهشت رضوان به دوزخ (ص ۲۶۵) غم به رهبر بلا (ص ۲۶۶)، آب زندگانی تیغ تو به حیات خضر (ص ۲۶۶)

مشبه عقلی و مشبه به حسی:

مشبه از امور عقلانی و کیفیات نفسانی باشد و مشبه به از امور حسی. (اشرف‌زاده - علوی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۹۷). بسامد تشبیهات عقلی به حسی ۷۸ عدد در میان ۵۰ غزل بررسی شده که برابر با ۲۱/۲٪ است. تشبیهاتی نظیر عشق به اسم اعظم (ص ۲۴۶)، حسن به بهار (ص ۲۴۸) امتحان به تیغ، غم به چاه (ص ۲۴۹)، امید به در، ادب به مهر، دل به زر ناروا، (ص ۲۵۰) شعله دل به آتش دوزخ (ص ۲۵۱)، دل به غبار سبکخیز، دل به شیشه، دل به گلبن، داغ دل به چراغ، دل به چراغ، دل به فلک (ص ۲۵۲)، امتحان به بزم (ص ۲۵۳) دل به مرغ، ناله به ارغنون (ص ۲۵۴)، هوس به گرد، نور نظر به سوختن و پیچش مو، چهره به آتش، فنا به باد، حیا به نگهبان، گرفتاری به زندان (ص ۲۵۵) شاعر خود را به هیچ تشبیه کرده (ص ۲۵۶) جنون به خاک، جگر به لاله، درد به هما، دل سوخته به سیاهی داخل لاله (ص ۲۵۷) داغ حرمان به گل، دل به کعبه، حرمان به خشکسال (ص ۲۵۷)، اظهار به غنچه، دل به چشمه، دل به متاع (ص ۲۵۸)، بیداد به شحنة (ص ۲۵۸ و ۲۵۹)، وصل به خون، خواهش به غبار، وصل به گلشن، هجران به کوی، قرب به بزم، وصل به آفت، عشق به جام، محبت به زهر، (ص ۲۶۰)، لطف به جام، تقاضا به ساغر، عشق به چنگ، عشق به نهال (ص ۲۶۱)، اضطراب به نسیم (ص ۲۶۲)، روح به مرغ، جگر به گلشن، آه به لاله و ریحان، محبت به داغ، کبریا به بحر (ص ۲۶۳)، عتاب به جام، حسن به چمن، تلافی به تیغ، محبت به بازار، حسد به آتش (ص ۲۶۴)، عشق به داغ، وصال به داغ وصل به بزم، خشم به آتش، غم به زهر (ص ۲۶۵)، بلا به خنجر، بلا به کشور، بلا به بستر (ص ۲۶۵)، شرع به جاده، جهان قدیم به ویرانه (ص ۲۶۶)، کینه به تخم، محرومی به خار، آب حیوان به زهر، ناامیدی به نعمت خوان، نصیحت به آب سوزان (ص ۲۶۷) دل به آینه، هجر به خشکسال (ص ۲۶۸)، ناله شاعر به نال نی (ص ۲۶۹)، دم عیسی به نسیم بستان، عشق به طراح (ص ۲۶۹).

مشبه حسی و مشبه به عقلی:

«به لحاظ تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد، چون غرض از تشبیه این که به کمک معلومی وضع مجهولی را در ذهن روشن کنیم یعنی به کمک مشبه بهی که در صفتی اعرف واجلی واقوی از مشبه است حال وضع مشبه را توصیف کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است. از این رو در این تشبیهات شاعر باید خود وجه شبه بی را که در نظر دارد ذکر کند و بدین ترتیب این گونه همواره مفصل است». (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۳۷) بسامد تشبیهات حسی به عقلی ۳ عدد از میان ۵۰ غزل که برابر با ۰/۸٪ است.

ما مشرب عشقیم به هر جا که نشینیم هم کعبه و هم دیر بود پیش و پس ما
(دیوان، غزل ۱۸، بیت ۵، ص ۲۴۵)

شاعر خودش را به مشرب عشق تشبیه کرده است

کعبه افروخت چراغی به سر تربت ما حاجتی داشت همانا که چو ارباب نیاز
(دیوان، غزل ۲۴، بیت ۵، ص ۲۵۸)

شاعر کعبه را به ارباب نیاز تشبیه کرده است. حسی به عقلی .

مجموعه وجود شفائی به نام اوست هر نقطه چون سویدا آینه خدا
(دیوان، غزل ۳۴، بیت ۹، ص ۲۶۲)

شاعر در مصراع دوم نقطه را به سویدا تشبیه کرده است. نقطه: مشبه، سویدا: مشبه به، حسی به عقلی و در نقطه را به آینه خدا تشبیه کرده است.

تشبیه خیالی و وهمی:

در صورتی که اجزاء و مواد مشبه به هر کدام به تنهایی وجود داشته باشند اما هیات مرکب آنها مربوط به تخیل گوینده باشد، آن را تشبیه خیالی گویند. (همایی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۳) بسامد تشبیه خیالی نادر است. در وهمی مشبه به غیر موجود مرکب از دو جزء است و یکی از اجزاء هم وجود خارجی ندارد. (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۷۹). در ۵۰ غزل انتخاب شده از دیوان حکیم شفائی تشبیه وهمی نادر است:

همای درد تو پرورده استخوان منست مباد پهلوی او لاغر از نواله ما
(دیوان، غزل ۲۱، بیت ۳، ص ۲۵۲)

دم شیرست و کام ازدها آرامگاه من گهی اینجا نهم پهلوی آسایش گهی آنجا
(دیوان، غزل ۱۲، بیت ۳، ص ۲۵۴)

آرامگاه من: مشبه، دم شیر و کام ازدها: مشبه به، ادات: حذف، وجه شبه: ناآرامی و بی آسایشی و بی قراری (محذوف)

تشبیه بر پایه طرفین آن

تشبیه جمع:

مشبه یکی است و مشبه به متعدد باشد (صادقیان، ۱۳۷۱، ص ۱۴۸) تعداد ۶ عدد تشبیه جمع در میان ۵۰ غزل یافت شد که برابر با ۱/۶٪ است. تشبیهاتی همچون: بیدردی به هوس و عشق (ص ۲۵۸)، رخ به باغ و رخ به گلشن (ص ۲۵۹)، وصال به خون و به بزم (ص ۲۶۴)، اشک به آتش و به خوناب (ص ۲۶۶).

تشبیه تسویه:

عکس تشبیه جمع است، چند مشبه را به یک مشبه تشبیه کنید. (همایی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷). این نوع تشبیه در غزل‌های شفائی نادر است.

تشبیه ملفوف:

چند مشبه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شود و سپس مشبه به‌های هر کدام گفته شود. این گونه تشبیه مبتنی بر صنعت لف و نشر است. (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۴۷) در میان ۵۰ غزل بررسی شده تشبیهات ملفوف یافت نشد.

تشبیه مفروق:

در مقابل تشبیه ملفوف، آن است که چند مشبه و چند مشبه به باشد و هر مشبه بهی را تالی خود قرار دهند. (همایی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۸). بسامد تشبیه مفروق در میان غزل‌های بررسی شده تنها ۱ تشبیه مفروق است که برابر با ۰/۲۷٪ است.

کوی عشقست که خورشید بود خاک آنجا گوی بازیچه طفلان بود افلاک آنجا
(دیوان، غزل ۱۷، بیت ۱، ص ۲۵۴)

خورشید: مشبه، خاک: مشبه به، ادات (محذوف)، وجه شبه (حذف)، افلاک: مشبه، گوی بازیچه طفلان، مشبه به، ادات (حذف)؛ وجه تشبیه (محذوف). تشبیه مفروق شاعر در مصراع اول خورشید را به خاک تشبیه کرده و در مصراع دوم افلاک را به گوی بازیچه طفلان تشبیه کرده است. و مشبه را با مشبه به خودش آورده است.

تشبیه مفرد:

آن است که تنها یک چیز به چیز تشبیه شود. در تشبیه مفرد، وجه شبه نیز، معمولاً یک چیز بسیط است. (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۲) در میان ۵۰ غزل بررسی شده، بسامد آماری ۱۰۹ تشبیه مفرد یافت شد که برابر با ۲۹/۷٪ است.

تشبیهاتی نظیر:

عشق به اسم، شاعر خودش را به مور تشبیه کرده، شاعر خود را به زخم تشبیه کرده (ص ۲۴۶)، بهار حسن، جهان به مگس، امتحان به تیغ، غم به چاه (ص ۲۴۹)، امید به در، ادب به مهر، دل به زر ناروا (۲۵۱)، دل به غبار، دل به شیشه، شاعر خودش را به نسیم تشبیه کرده، دل را به چراغ (ص ۲۵۲)، دل به مُلک زود تسخیر، امتحان به بزم، لب به شکرستان، ناله به ارغنون، شاعر خودش را به مرغ تشبیه کرده (ص ۲۵۳)، شاعر خودش را به شمع و پروانه تشبیه کرده (ص ۲۵۴)، هوس به گرد، خورشید به خاک، افلاک به گوی، فنا به باد، ادراک به خرمن حیا به نگهبان، صبح به آئینه، شاعر خود را به مشرب عشق تشبیه کرده (ص ۲۵۵)، ماه به تیغ، شاعر خود را به سنان تشبیه کرده، شاعر خود را مار تشبیه کرده (ص ۲۵۶)، جنون را به خاک، دل به نامه، داغ به مهر، گریبان به صبح، جگر به لاله (ص ۲۵۷)، نیستی به در، حرمان به داغ، کعبه به دل، حرمان به خشکسال، غنچه به اظهار، بیغمی به خشکسال، دل به چشمه، دل به متاع (ص ۲۵۸) کعبه به ارباب نیاز، بیدردی به هوس، بیدردی به عشق، خط به سبزه، بیداد به شحنه (ص ۲۵۸ و ۲۵۹)، وصل به خوان، خواهش به غبار، وصل به گلشن، هجران به کوی، عیب به هنر، شادی به بلا، قرب به بزم، وصل به آفت، باغ به رخ، باغ به گلشن، جام به عشق، محبت به زهر (ص ۲۶۰) عشق به چنگ، شاعر خود را به تار چنگ تشبیه کرده، عشق به نهال (ص ۲۶۱) شاعر خود را به نسیم تشبیه کرده، شاعر خود را به دشمن تشبیه کرده، اضطراب به نسیم، محبت به بیابان (ص ۲۶۲)، شاعر خود را آتش تشبیه کرده، روح به مرغ، جگر به گلشن، آه به لاله، آه به ریحان، محبت به داغ، کبریا به بحر، شاعر خود را به ماهی تشبیه کرده، شاعر خود را قطره تشبیه کرده، خورشید به زر، زر خورشید به شهروا، نقطه به سویدا، نقطه به آئینه (ص ۲۶۳) شاعر خود را به شیشه، عتاب به جام، عشق به آفت، حسن به چمن، تلافی به تیغ، محبت به بازار، بهشت به دوزخ، زلف به کفر، حسد به آتش (ص ۲۶۴)، عشق به داغ، جور به کمان، وصال به خوان، وصل به بزم، خشم به آتش، غم به رهبر بلا، بلا به خنجر، بلا به کشور، بلا به بستر (ص ۲۶۵)، لب به دُر، شرع به جاده، جهان به ویرانه (ص ۲۶۶) کینه به تخم، محرومی به خار، غیرت به آتش، آب حیوان به زهر، ناامیدی به نعمت خوان، تمنا به گره، می به اب، اشک به آتش،

اشک به خوناب، رخ به مهتاب (ص ۲۶۷)، دل به آینه، محبت به به جام، آب حیات به زهر، هجر به خشکسال، (ص ۲۶۸)، ناله‌شاعر به ناله نی، لب به قند، دم عیسی به نسیم بستان، قد به سرو، عشق به طراح، خیال به جبریل، شاعر خود را به نسیم تشبیه کرده (ص ۲۶۹).

تشبیه مقید:

گاه طرفین ویا یکی از طرفین تشبیه را به چیزی اضافه می‌کنند ویا صفتی بدان می‌افزاید ویا زمانی و مکانی برای آن قائل می‌شود، در آن صورت آن را مقید خوانند. (صادقیان، ۱۳۷۱، ص ۱۴۳) بسامد تشبیه مقید ۱۰ عدد در بین ۵۰ غزل بررسی شده است که برابر با ۲۰٪ است. تشبیهاتی از قبیل:

مگشایید پرم رغبت پروازم نیست که فضای دو جهان حلقه دامت اینجا

(دیوان، غزل ۸، بیت ۲، ص ۲۵۰)

شاعر خود را به پرندای تشبیه کرده که رغبت پرواز ندارد و دو جهان برایش مانند حلقه دام است

آتش عشق تو در خرمن ما بی دودست شعله رو پوش توان کرد به خاشاک آنجا

(دیوان، غزل ۱۷، بیت ۳، ص ۲۵۴)

هرچند که در زلف تو بارست دل ما مشکن که سبکخیز غبارست دل ما

(دیوان، غزل ۹، بیت ۱، ص ۲۵۱)

شاعر دل را به غبار سبکخیز تشبیه کرده و صفت سبکخیزی را بای غبار در نظر گرفته تا آن را مقید نماید. دل: مشبه، غبار سبکخیز: مشبه به، وجه شبه: سبک خیزی، ادات: حذف، مقید (دل به غبار سبک خیز) دل به شیشه شکننده، دل به گلبن جاوید در بهار که به قید هر روز و صفت جاوید مقید شده است. (ص ۲۵۱)، شاعر خود را به نسیم آشفته تشبیه کرده و دل به چراغی که دود نمی‌کند (ص ۲۵۱) دل به ملکی که زود تسخیر است، آرامگاه را به دم شیر و کام ازدها و آن را به زمان «گهی» مقید کرده است (ص ۲۵۲)، دل به مرغ بی بال و پرو اسیر در چنگ بازها تشبیه شده، نور نظر به مویی که بر آتش چهره معشوق می‌سوزد و به خود می‌پیچد تشبیه شده است (ص ۲۵۳)، گرفتاری را به زندان که کم از چمن نیست تشبیه کرده است (ص ۲۵۴)، دل به نامه‌ای از جنس مهر وفا تشبیه شده (ص ۲۵۶)، کعبه به ارباب نیاز که چراغ بر سر تربت شاعر افروخته تشبیه شده (ص ۲۵۸)، وصل تشبیه شده به آفت برای عاشقی که گزیده غیرت است (ص ۲۵۹)، شاعر خود را به نسیمی تشبیه کرده که در موج دریا می‌که از رسیدن به ساحل دل کنده زندگی می‌کند و پایش تر نمی‌شود (ص ۲۶۱)، شاعر خود را به ماهی که از آب پرسش می‌کند آب کجاست تشبیه کرده است (ص ۲۶۲)، شاعر اسیران را به خاشاکی که دودا نگیز است تشبیه کرده است (ص ۲۵۴)

تشبیه تمثیل:

دلنشین ترین و پر مایه ترین نوع تشبیه و صورت عالی و پرورده تشبیه مرکب است زیرا سخنور بدین وسیله زمینه‌های خیالی و اندیشه‌های شاعرانه خود را به ظهور می‌رساند. در تشبیه تمثیل، مشبه، امری صرفاً ادعایی و ثابت نشده است. اما مشبه به، امری است آزموده و پذیرفته شده یا دست کم در خور پذیرفتن، که گاهی به صورت ضرب‌المثل درآمده است. در واقع گوینده، آن امر پذیرفته شده، یا آن ضرب‌المثل را مشبه به قرار می‌دهد و به آن استناد می‌کند تا امر مورد ادعای خود را نظیر و شبه آن بداند و به اثبات برساند. (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۷) بهترین راه برای دریافت تمثیل، اسلوب معادله است که از یکی از محورهای خصایص سبک هندی است با عنوان شباهتی که میان دو مصراع وجود دارد. تشبیه تمثیل، وسعت دامنه خیال پردازی شاعرانه را نشان می‌دهد که حاصل تفکر و تخیل قوی و مبتکرانه شاعر است. ۳ تشبیه تمثیل در بین ۵۰ غزل وجود دارد که برابر با ۰/۸٪ است.

صبر مرا حواله صد عشوه کرده‌ای سر داده‌ای به جان کتان تیغ ماه را

(دیوان، غزل ۱۹، بیت ۴، ص ۲۵۵)

ماه: مشبه، تیغ: مشبه به، ادات و وجه شبهه: محذوف. تشبیه تمثیل در مصراع دوم و اشاره به باور قدما درباره کتان در برابر نور ماه آسیب می‌بیند.

هیچیم از آن به چشم کسی در نیامدیم
آینه را چه جرم که ننموده‌ایم ما
(دیوان، غزل ۲۰، بیت ۵، ص ۲۵۵)

تشبیه تمثیل. وجه شبهه: ناچیز بودن و نبودن،

هزار بار شکستی و باز پیوستم
همان به شیشه ما دشمنیست سنگ ترا
(دیوان، غزل ۳۵، بیت ۲، ص ۲۶۳)

تشبیه مرکب:

منظور از تشبیه مرکب، جمله یا عبارت یا مجموعه چند واژه نیست بلکه مرکب یک هیأت ترکیبی است (هیأت منتزع از چند چیز) و با زبان امروز، تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آوردن آن نقش داشته باشند. در تشبیه مرکب جایز نیست طرفین را تک تک به عنوان مشبه و مشبه به در نظر گیریم زیرا در این صورت وجه شبه کامل و حتی اغلب درست هم نیست. (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۸۱ و ۸۲) تشبیه مرکب در غزلیات شفائی غالباً از نوع مرکب به مرکب است:

ای خانه خواه بحر محیط تو قطره‌ام
گنج در وجود شاعر مثل هسته در خرماست
در من تو گنج یافته کالئخل فی النوا
ای در دلم ز گرمی خوی تو داغها
وان داغها به بزم محبت چراغها
(دیوان، غزل ۱۰، بیت ۱، ص ۲۵۱)

شاعر بیان می‌کند که در دل من از گرمی و روشنی خوی تو داغهایی وجود دارد و آن داغ‌ها به بزم محبت مثل چراغ می‌ماند.

چون محبت که به دلگرمی ما می‌نازد
پشت، گرمست به بیداد خودرایی ما
(دیوان، غزل ۱۳، بیت ۲، ص ۲۵۲)

تشبیه مرکب به مرکب. نوعی برجسته سازی در تشبیه است

ای گریبان دل از چشمت به دست نازها
مرغ بی بال و پری عاجز به چنگ بازها
(دیوان، غزل ۱۴، بیت ۱، ص ۲۵۳)

ناز چشم تو گریبان دل را گرفته و دل مانند مرغ بی بال و پری که به چنگ بازها است. (ناز چشم معشوق به چنگ باز تشبیه شده که این نازک خیالی‌ها یکی از ویژگی‌های سبک هندی است.)

نمونه‌های دیگر: شاعر نور نظر خود را هنگامی که به روی آشناک معشوق نظر می‌کند به مانند مویی که بر آتش می‌نهند و می‌سوزد و به خود می‌پیچد تشبیه کرده است که نشان از نازک خیال‌های سبک هندی است (ص ۲۵۴)، شاعر نصیحت ناصح را زمانی که به تسکین او می‌پردازد مانند آبی سوزان می‌داند که درون او را می‌سوزاند (ص ۲۶۶)

گاهی تشبیهات از نوع مفرد به مرکب است: دل به گلبنی که بهار جاوید دارد و هر روز در آن نو گل داغی شگفته، تشبیه شده است. (ص ۲۵۱) شاعر خشم معشوق را به آتش تشبیه کرده که اسیران خود را مانند خاشاک دودانگیز بر سر این آتش می‌سوزاند (ص ۲۶۲)، غم را به زهری تشبیه کرده که در کاسه عشق ریخته می‌شود و ادعا می‌کند پر طاقتی که مانند شفائی این ساغر لبریز را سر بکشد پیدا نمی‌شود (ص ۲۶۲).

تشبیه رجحانی و تأکیدی

تشبیه تفضیل:

تشبیه تفضیل از اقسام تشبیه تأکیدی و رجحانی است. (فرشید ورد، ۱۳۸۰، ص ۴۴۷) بدین صورت که چیزی را به چیز دیگری تشبیه کنند و سپس از گفته خود عدول کنند و مشبه را بر مشبه به ترجیح دهند و امتیازی ویژه برای آن بیاورند گویا شاعر به تشبیهی که کرده قانع نیست و می‌خواهد با مبالغه خود را راضی نماید. (صادقیان، ۱۳۷۱، ص ۱۶۶؛ علوی مقدم، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰). بسامد استفاده از تشبیه تفضیل در بین ۵۰ غزل ۸ تشبیه که برابر با ۲/۱٪ است.

موریم و با فرشته به یک بال می‌پریم بال هماست خار و خس آشیان ما
(دیوان، غزل ۱، بیت ۴، ص ۲۴۶)

شاعر ادعا می‌کند که با وجود اینکه ما مانند مور خرد و کوچک هستیم اما بال‌ها خار و خس آشیان ماست و خود را از هما برتر می‌داند. ما: مشبه، مور: مشبه به، وجه شبه: کوچکی و خردی (محدوف)، ادات: محدوف، تشبیه تفضیل. و تشبیهات دیگری همچون: شاعر شعله‌ داغ دل خود را به آتش دوزخ برتری می‌دهد و آتش دوزخ از سوزندگی و گرمی آتش عشق او می‌ترسد. (ص ۲۵۰)، شاعر ناله خود را به ارغنون تشبیه کرده که ادعا می‌کند ناله اش صدای ناله دیگر سازهارا پست می‌سازد. (ص ۲۵۳)، شاعر شعله نشسته و خاموش خود را از آتش دوزخ بالاتر می‌داند و آتش دوزخ را بر گرفته از شررهای آتش خاموش خود می‌داند. (ص ۲۶۲)، شاعر لب معشوق را برتر از دُرّ یتیم می‌داند که رونق بازار از قیمت دُرّ یتیم شکسته است. (ص ۲۶۵)، جهان قدیم در برابر عالم نبوت مانند ویرانه‌ای است و عقل در آن خرده دان و نادان است. (ص ۲۶۶)، آب زندگانی تیغ تو بر حیات خضر هم برتری دارد. (ص ۲۶۶) نیزه خشت بر آفتاب طعنه می‌زند و کنشت ما از کعبه باج شرف می‌ستاند که در این تشبیه شاعر تفضیل و برتری را در نظر داشته است (ص ۲۶۶)

تشبیه مشروط:

گوینده چیزی را به چیزی تشبیه کرده و بر آن شرطی نهاده است که بر لطف سخن و ظرافت‌های معانی آن می‌افزاید. در واقع همان تشبیه تفضیل است. (همایی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵) «تشبیه مشروط و تفضیل هر دو بر تفضیل دلالت می‌کنند؛ زیرا شرطی که در تشبیه مشروط می‌آید معنی تفضیل را می‌رساند، بنابراین از جنس تشبیهات مقید و مرکب‌اند و از نظر معنا از اقسام تشبیه تأکیدی و رجحانی و اغراقی هستند.» (فرشید ورد، ۱۳۸۰، ص ۴۴۷). تعداد این نوع تشبیه در بین ۵۰ غزل شاعر اندک است. حدوداً ۰/۲٪.

چو جا دهند به خلد این دل پریشان را کند ز آه چو دوزخ بهشت رضوان را
(دیوان، غزل ۳۷، بیت ۱، ص ۲۶۳)

اگر دل پریشان در بهشت جا گیرد، از سوزندگی آه دل، بهشت رضوان مثل دوزخ می‌شود.

گر نسیم اضطراب اینست ترسم بی محل بکشفاند غنچه راز دل نگشوده را
(دیوان، غزل ۳۲، بیت ۴، ص ۲۶۱)

اگر این نسیم اضطراب است می‌ترسم بی جا و بی محل راز دل را که مانند غنچه‌ نشکفته است بشکفاند.

تشبیه مضمّر:

«مضمّر» یعنی پوشیده و پنهان، چنانچه گوینده در سخن خود قصد تشبیه داشته باشد و در حقیقت تشبیهی به کار برد، اما آن را در سخن بپوشاند و آشکار نسازد، به طوری که شنونده تا دقت نکند متوجه تشبیه نشود (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۸) بسامد تشبیه تفضیل در بین ۵۰ غزل تعداد ۱۷ تشبیه که برابر با ۴/۶٪ است.

در دل، سنان شکسته و خامش نشسته‌ایم در سینه مار خفته و آسوده‌ایم ما
(دیوان، غزل ۲۰، بیت ۳، ص ۲۵۵)

تشبیه دل به سینه مار.

چند به هر که دل دهم بیند و باز پس دهد / چند به کار کس کنم این زر ناروای را
(دیوان، غزل ۷، بیت ۴، ص ۲۴۹)

شاعر دل را به زر ناروا تشبیه کرده است که خریداری ندارد. دل: مشبه، زر ناروا: مشبه به، وجه شبهه: ناسره بودن، ادات: حذف. شاعر خود را به پرنده تشبیه کرده که رغبت پرواز ندارد (ص ۲۵۰)، دل به مرغ بی پرو بال و عاجز که درچنگ باز است تشبیه شده (ص ۲۵۳)، تشبیه مضمحل دل به نی (ص ۲۵۳)، شاعر به طور پنهانی خود را به شمع تشبیه کرده (ص ۲۵۳)، شاعر خود را به سنان شکسته و مار خفته تشبیه کرده است (ص ۲۵۵)، تشبیه مضمحل جگر به لاله (ص ۲۵۶)، تشبیه دل سوخته به سیاهی داخل لاله (ص ۲۵۶)، شاعر خود را به دشمن تشبیه کرده (ص ۲۶۹)، آه به لاله و ریحان تشبیه شده (ص ۲۶۲)، شاعر خودش را به خانه زاد عشق تشبیه کرده (ص ۲۶۲)، شاعر خودش را به شیشه و معشوق را به سنگ تشبیه کرده (ص ۲۶۳)، شاعر خشم معشوق را به آتش و اسیران را به خاشاک دود انگیز این آتش تشبیه کرده (ص ۲۶۶)، غم به زهر در کاسه عشق تشبیه شده (ص ۲۶۴)، لب معشوق به دُرّ (ص ۲۶۵)، عالم نبوت تو به جهان قدیم (ص ۲۶۵)، نیزه خشت به آفتاب و کنشت به کعبه، غیرت به آتش، آب حیوان به زهر، آب زندگانی تیغ تو به حیات خضر، می‌ناب به آب، شاعر درون خود را به آتش تشبیه کرده، رخ به مهتاب (ص ۲۶۶)، دل بی کینه به آینه، ناله دل به ناله نی (ص ۲۶۷).

تشبیه عکس:

نخست مشبهی را به مشبه بهی تشبیه کنند و سپس جای مشبه به و مشبه را عوض کنند، یعنی مشبه به را در حکم مشبه و مشبه را در حکم مشبه به گیرند. در این گونه از تشبیه حتما وجه شبه ذکر شود. در کتب بلاغی عربی، تشبیه معکوس یا مقلوب، به تشبیهی اطلاق می‌شود که در آن مشبه را بر مشبه به ترجیح و تفضیل نهند. (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۴۸) بسامد تشبیه عکس در ۵۰ غزل بررسی شده اعداد که برابر با ۰/۲٪ است.

عشق دردیست که معشوق کند عاشق را / این که شمعست شود روزی پروانه ما
(دیوان، غزل ۱۵، بیت ۶، ص ۲۵۳)

شاعر به طور پنهانی خود را به شمع تشبیه کرده و خودش را اکنون پروانه می‌داند. (تشبیه مضمحل). از طرفی عاشق را به پروانه و شمع را به معشوق تشبیه کرده است و در مصراع دوم جای این دو را عوض کرده.

تشبیه نو

تشبیه نو همراه با وجه شبه نو در میان ۵۰ غزل نشان از تکاپوی شاعر برای ساختن تصویرهای خیالی تر و غیر تکراری با مضمون‌های پیچیده است که نازک اندیشی و باریک خیالی شاعر را می‌رساند.

کشد خمیازه چون زخمی که مخمور نمک باشد / ملاحظت چون تصور می‌کند گنج دهانش را
(دیوان، غزل ۵، بیت ۱۱، ص ۲۴۸)

منابع الهام شاعر در تشبیه:

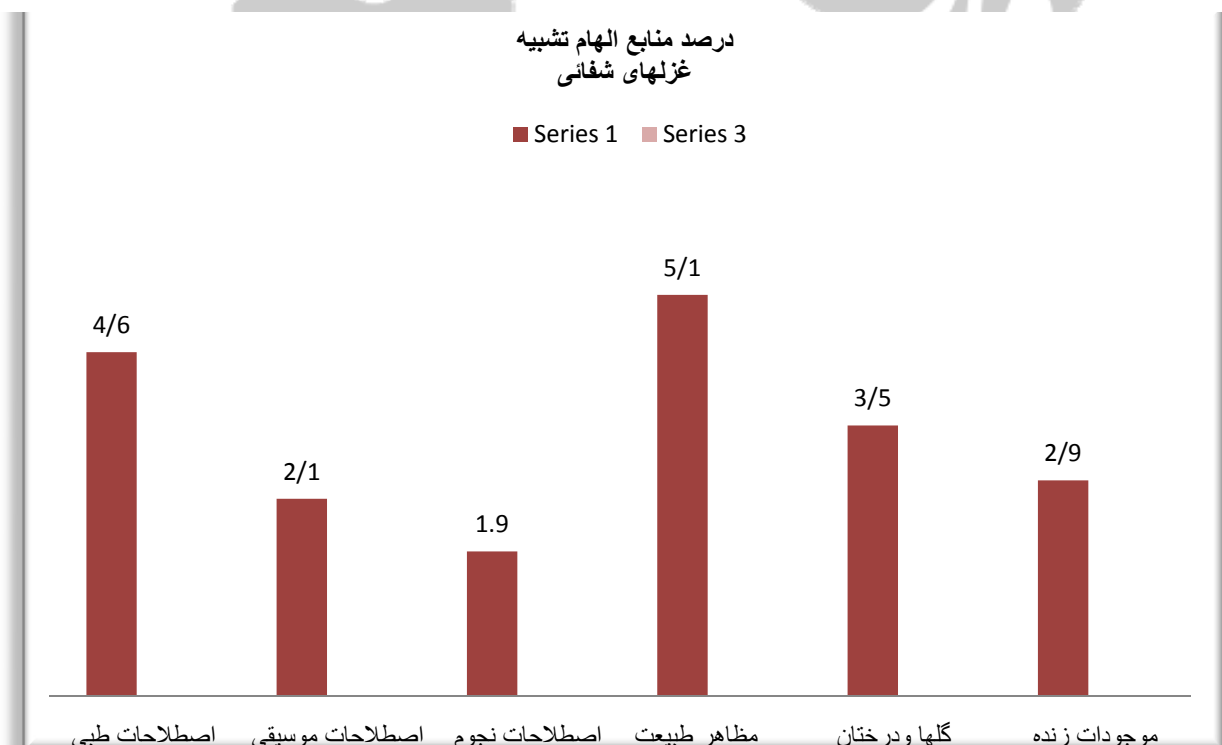
موجودات زنده: بسامد وجود موجودات زنده در تشبیهات بررسی در میان ۵۰ غزل ۱۱ موجود زنده که برابر با ۲/۹٪ است. موجوداتی همچون: مور (ص ۲۴۶)، هما (ص ۲۵۶)، مگس (صص ۲۶۲، ۲۵۹، ۲۴۸)، مرغ (ص ۲۶۲)، شیر (ص ۲۵۲)، اژدها (ص ۲۵۲)، باز (ص ۲۵۳)، پروانه (ص ۲۵۳)، مار (ص ۲۵۵)، سگ (ص ۲۵۹)، ماهی (ص ۲۶۲).
گلها و درختان: بسامد وجود گل و گیاه در ۵۰ غزل ۱۳ عدد که برابر با ۳/۵٪ است. گل و گیاهانی نظیر: سنبل (ص ۲۵۱)، گلشن (ص ۲۵۱، ۲۵۹، ۲۶۲)، چمن (ص ۲۵۴)، لاله (ص ۲۵۶، ۲۶۲)، غنچه (ص ۲۵۶)، سبزه (ص ۲۵۸)، نهال (ص ۲۶۰)، ریحان (ص ۲۶۲)، خار (ص ۲۶۶)، گلستان (ص ۲۶۶)، بستان (ص ۲۶۶)، سرو (ص ۲۶۹)، گلزار (ص ۲۶۹).

اصطلاحات پزشکی : بسامد اصطلاحات پزشکی در بین ۵۰ غزل ۱۷ عدد که برابر با ۴/۶٪ است. اصطلاحاتی همچون: زخم (ص ۲۴۶)، تیغ (ص ۲۴۸، ۲۶۶، ۲۶۳)، جنون (ص ۲۳۹)، آبله (ص ۲۴۹)، داغ (ص ۲۵۰)، مرگ (ص ۲۴۹)، درد (ص ۲۴۶، ۲۵۳)، خون جگر (ص ۲۵۶)، پرده گوش (ص ۲۵۶)، رگ و ریشه (ص ۲۵۷)، زهر (ص ۲۵۹)، آلوده (ص ۲۶۹)، آفت (ص ۲۶۳)، گزند (ص ۲۶۳)، دم عیسی (ص ۲۶۹)، فلاطون (ص ۲۶۹).

اصطلاحات موسیقی : بسامد این اصطلاحات ۸ عدد در بین ۵۰ غزل که برابر با ۲/۱٪ است. اصطلاحاتی همچون: هم آوازی (ص ۲۵۳)، ساز (ص ۲۵۳)، ارغنون (ص ۲۵۳)، نی (ص ۲۴۸، ۲۵۳)، تار (ص ۲۶۰)، چنگ (ص ۲۶۰)، نواختن (ص ۲۶۰).

اصطلاحات نجوم : بسامد این اصطلاحات ۷ عدد در بین ۵۰ غزل که برابر با ۱/۹٪ است. اصطلاحاتی همچون: مهتاب (ص ۲۴۶)، افلاک (ص ۲۵۴)، خورشید (ص ۲۵۴)، صبح (ص ۲۵۴)، ماه (ص ۲۵۵)، جهان قدیم جدید (ص ۲۶۵)، پرتو آفتاب (ص ۲۶۵).

مظاهر طبیعت: بسامد این اصطلاحات ۱۹ عدد در بین ۵۰ غزل که برابر با ۵/۱٪ است. دریا (ص ۲۵۲)، آب (ص ۲۵۱، ۲۶۲)، خار و خس (ص ۲۴۶)، خزان (ص ۲۴۸، ۲۶۰)، بهار (ص ۲۶۰)، آتش (ص ۲۵۰، ۲۶۶، ۲۶۳)، غبار (ص ۲۵۱)، باغ (ص ۲۵۱)، چشمه (ص ۲۵۷)، باد (ص ۲۵۴)، خاک (ص ۲۵۴، ۲۵۶)، خورشید (ص ۲۵۴)، بیابان (ص ۲۶۱)، بحر (ص ۲۲)، سنگ (ص ۲۶۳)، خاشاک (ص ۲۶۴)، نسیم (ص ۲۶۹)، موج و ساحل (ص ۲۶۱) ابزار: بسامد ابزارها در بین ۵۰ غزل ۱۱ ابزار که برابر با ۲/۹٪ است، ابزارهایی همچون: شمشیر، کتان، در، شیشه، کمان، جام، ساغر، خنجر، آینه، نیزه، زنجیر.



نتیجه گیری:

در میان ۵۰ غزل از دیوان حکیم شفائی که شامل ۳۶۷ بیت است تعداد ۱۲۸ بیت، برابر با یک سوم از کل ابیات بررسی شده دارای آرایه تشبیه است که میزان علاقه شاعر به این آرایه را می‌رساند و نشان‌دهنده علاقه وافر شاعر به ترکیب سازی با استفاده از خیال پردازی‌های شاعرانه و باریک اندیشی‌های حاصل از سبک هندی است.

— از میان تشبیهات موجود (مفصل، مجمل، مؤکد، بلیغ) بیشترین بسامد مربوط به تشبیه بلیغ (۲۱/۷٪) و کمترین بسامد مربوط به تشبیه مجمل (۰/۸٪) است.

— از میان گونه‌های تشبیه از دیدگاه طرفین تشبیه (هر دو طرف عقلی، هر دو طرف حسی، حسی به عقلی، عقلی به حسی) بیشترین بسامد مربوط به وجود تشبیهات عقلی به حسی (۲۱/۲٪) و کمترین بسامد آن مربوط به تشبیهات حسی به عقلی (۰/۸٪) است. و بیانگر این است که جنبه انتزاعی تصویر سازی‌ها و خیال پردازی‌های حکیم شفائی به شکل عقلی به حسی است.

— از میان گونه‌های دیگر تشبیه بر پایه طرفین آن (جمع، تسویه، ملفوف، مفروق، مفرد، مقید، تمثیل) بیشترین بسامد مربوط به وجود تشبیه مفرد (۲۹/۷٪) و کمترین بسامد مربوط به تشبیه مفروق (۰/۲٪) است.

— از لحاظ وجود تشبیهات بر پایه معنا (تفضیل، مشروط، مضمّر، عکس) بیشترین بسامد مربوط به وجود تشبیه مضمّر (۴/۶٪) و کمترین بسامد مربوط به تشبیه عکس و مشروط (۰/۲٪) است.

— تشبیه مرکب به مرکب (۰/۸٪) و تشبیه مفرد به مرکب (۲/۱٪) تشبیهات را شامل می‌شوند

— بیشترین بسامد آماری مربوط به وجود تشبیهات عقلی و مفرد است و باریک اندیشی و خیال پردازی‌های شاعرانه در تصویرهای سبک هندی به خوبی در این تشبیهات نمایان است.

— منابع الهام حکیم شفائی در تشبیهاتش شامل وجود موجودات زنده، گل و گیاهان، مظاهر طبیعت، ابزارها، اصطلاحات پزشکی، نجوم و موسیقی است که نشان دهنده ارتباط بین پدیده‌های اطراف شاعر با ذهن کاوشگر و خیال پرداز اوست که در خلق تصاویر شعری اش از شناخت دنیای اطراف، علوم و دانش‌های مورد علاقه اش سرچشمه می‌گیرد. بدین ترتیب بیشترین بسامد آماری مربوط به مظاهر طبیعت (۵/۱٪) و کمترین بسامد مربوط به اصطلاحات نجومی (۱/۹٪) است. بعد از مظاهر طبیعت بیشترین توجه شفائی به اصطلاحات پزشکی است که متاثر از شغل او به عنوان حکیم و پزشک مخصوص دربار شاه عباس صفوی است.

دانشگاه هرمزگان

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

فهرست منابع:

- ۱- آذر بیگدلی، *لطفعلی بیک آقا خان، آتشکده آذر*، به کوشش حسن سادات ناصری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- ۲- تجلیل، جلیل، *معانی و بیان* (ویراست دوم)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵.
- ۳- رازی، امین احمد، *هفت اقلیم*، تصحیح محمد رضا طاهری، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
- ۴- رجائی، محمد خلیل، *معالم البلاغه*، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۵۸.
- ۵- شفائی اصفهانی، شرف‌الدین حسن، *دیوان اشعار*، به تصحیح و کوشش لطفعلی بنان، تبریز، اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، چاپخانه شفق تبریز، ۱۳۶۲.
- ۶- شفیع کدکنی، محمد رضا، *صور خیال*، چاپ سوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۰.
- ۷- شمیسا، سیروس، *بیان*، چاپ نهم، تهران، انتشارات فردوس، چاپخانه امین، ۱۳۸۱.
- ۸- _____، *بیان و معانی*، چاپ هشتم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۸۳.
- ۹- صادقیان، محمد علی، *طراز سخن*، یزد، مرکز نشر انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی یزد، چاپ شرکت نشر و چاپ، ۱۳۷۱.
- ۱۰- علوی مقدم، محمد (و رضا اشرف‌زاده)، *معانی و بیان*، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- ۱۱- فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی، *تذکره میخانه*، به تصحیح احمد گلچین معانی، تهران، نشر شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکاء، ۱۳۴۰.
- ۱۲- فرشید ورد، خسرو، *دریازه ادبیات و نقد ادبی*، چاپ سوم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۰.
- ۱۳- کرازی، میر جلال الدین، *بیان زیباشناسی سخن پارسی ۱*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۸.
- ۱۴- نصیریان، یدالله، *علوم بلاغت و اعجاز قرآن*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۱۵- نوروزی، جهانرخش، *معانی و بیان ۱ و ۲*، چاپ دوم، شیراز، انتشارات کوشا مهر، ۱۳۸۰.
- ۱۶- همایی، جلال‌الدین، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ بیست و پنجم، تهران، موسسه نشر هما، چاپخانه اتحاد، ۱۳۸۵.